

در حاشیه تفکیک جنسی در دانشگاه ها ، پارک ها و ...!

زمینه ای برای تشدید رویارویی باند محمود احمدی نژاد و دستگاه ولایت؟

احمد نوین

تاریخ ۳۲ ساله حاکمیت رژیم بنیادگرای اسلامی بر ایران نشان داده است که تمامی جناح های جمهوری اسلامی ایران بنابر ماهیت ارتجاعی، مذهبی و تبعیض گرانه شان، در مورد آپارتاید جنسی در ایران (با شدت و ضعف های متفاوت) توافق دارند. بویژه باند دستگاه ولایت و باند محمود احمدی نژاد.

اما، بگونه ای غیر مترقبه، پس از اعلام آغاز طرح تفکیک جنسی در دانشگاه های ایران، محمود احمدی نژاد این طرح را غیر مُدرن خواند و علاوه بر توقف این طرح، خواستار توقف اخراج بی رویه استادان دانشگاه های ایران شد. جهت درک بیشتر علت رویارویی های اخیر مابین باندهای مافیائی قدرت در ایران در رابطه با تفکیک جنسی در جامعه لازم است ابتدا نگاهی گذارا به "ساختار جدید" رژیم بیانداریم.

پس از آغاز کار محمود احمدی نژاد بعنوان رئیس جمهور نظام، **ساختار جدید نظام** با تکیه بر سه پایه ؛ **دستگاه رهبری و در رأس آن شخص ولی فقیه، سپاه پاسداران و دولت انتظار یون برهبری احمدی نژاد طراحی و مورد توافق هر سه پایه آن قرار گرفت.**

اصلاح طلبان رژیم که با این ساختار جدید رژیم مخالفت داشتند (با بهم ریخته شدن قواعد بازی در بالا و با تقلب ولی فقیه و متحدانش در دو نمایش انتخاباتی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸) به مرور از همه ارکان های حکومتی رانده و سپس مورد سرکوب شدید قرار گرفتند. صاحب منصبان اصلاح طلب فعال و معترض را زندانی و میرحسین موسوی و مهدی کروبی را از صحنه "ناپدید" کردند. محمد خاتمی هم بشیوه همیشگی خودش نق زد و در حاشیه باقی ماند.

هزاران نفر از مردم معترض نیز که با بر پائی تظاهرات گسترده در سراسر ایران بخیابان ها آمده و اصل ولی فقیه و خود رهبر نظام را هم مورد حمله قرار داده بودند، بازداشت و در زندان های مخوف نظیر کهریزک مورد مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفتند. تعدادی از جوانان معترض را ایادی رژیم در خیابان ها و زندان ها بقتل رساندند. چندین نفر از معترضین هم مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند.

در سرکوب مردم و اعمال خفقان به اصلاح طلبان و راندن آنان به بیرون دایره قدرت، دستگاه رهبری و در رأس آن شخص ولی فقیه، سپاه پاسداران و باند محمود احمدی نژاد، هر سه پایه قدرت در ساختار جدید نظام، همدل و هم زبان عمل کردند.

اما، پس از آنکه دستگاه ولایت و اصولگرایان ذوب در رهبری، بقول "**روزنامه جمهوری اسلامی**" متوجه شدند که باند احمدی نژاد "**در بالا و پائین نظام با چراغ خاموش رخنه**" کرده اند، و شخص احمدی نژاد نیز در رویای "استقلال" قوه مجریه با گفتار و کردارش به اتوریته ولی فقیه ضربه میزند [بویژه با اخراج توهین آمیز منوچهر متکی، وزیر اسبق امور خارجه کابینه و بدنبال آن بیرون راندن مصلحی، وزیر اطلاعات مورد اعتماد ولی فقیه از کابینه دولت که با دخالت علی خامنه ای به ابقاء وزیر مربوطه و تحصن ۱۱ روزه احمدی نژاد منجر شده بود.] ، طوفانی از حملات اصولگرایان متحد با رهبری، بسوی احمدی نژاد روان شد. تا جائیکه تصویر برکناری احمدی نژاد را ترسیم نمودند و او را مجبور کردند که عقب نشینی هائی بنماید.

توجه کنید : امروز ورق برگشته است. محمود احمدی نژاد که پس از بازگشت بر سر کارش "سکوت وحدت بخش"

کرده بود ، اکنون دست از تاکتیک "سکوت وحدت بخش" برداشته و برای یاتک زدن به حریفان و دستیابی به خاک ریز هائی در میان مردم خود فریب و در مقابله با اصولگران مخالف اش، اعمالی را که قبلاً نیز مرتکب شده بود، تشدید نموده و ارتقاء نیز داده است. از

جمله میتوان به موارد ذیل اشاره کرد :

- نعل وارونه زدن در مورد حجاب اسلامی، از جمله با بیان اینکه " آیا واقعاً مشکلات کشور ما این است؟". و بعداً پس گرفتن آن.

- بهره برداری از عدم اعتماد مردم در رابطه با "آخوند جماعت" و مقصر قلمداد کردن آنان بعنوان تنها عاملین عقب ماندگی، فقر و مصیبت های موجود.

- بهره برداری از علائق ناسیونالیستی در جامعه با استفاده از **کتیبه کورش**، تلاش در تطبیق اسلام عهد بوقی با برخی کُدهای جامعه سرمایه داری امروزی، با **طرح اسلام ایرانی** و سپس مسکوت گذاردن آنها.

- استفاده بهینه از روش " بزن و در رو" در درگیری با رقبایش. ورود سریع به میدان و ایراد ضربه به حریف و عقب نشینی به موقع جهت تحکیم برخی از ائتلاف ها و حفظ نیروهای خودی. نظیر حمله به "برادران قاچاقچی" و **قاچاق اجناس توسط سپاه از اسکله ها و بنادر غیر مجاز**.

نکته جالب اینست که پس از افشاگری احمدی نژاد در مورد سپاه پاسداران، عکس العمل سریع محمد علی جعفری فرمانده کُل سپاه آنچنان سریع بود که نشان میداد تیر احمدی نژاد به هدف خورده است. عکس العمل سریع جعفری تردید ها در رابطه با قاچاق های کلان دهها میلیارد دلاری سالانه توسط سپاه را در میان رده های پائین سپاه به یقین تبدیل کرد. با وجودی که اکنون حتی برای عقب مانده ترین افشار حزب الله نیز روشن شده است که احمدی نژاد (و کُل نظام) نه میخواهند و نه میتوانند رفم های اقتصادی در جهت رفاه مردم را سازمان دهند، اما، احمدی نژاد که باند اش بطور گسترده در غارت و چپاول امکانات اقتصادی کشور دست داشته اند، برای جلب نظر تهیدستان ساده لوح در جامعه، خواهان اهداء ویلا و باغ به ۲۰ میلیون خاتوار ایرانی شده است.

• احمدی نژاد و یارگیری های پیشگیرانه اش:

- احمدی نژاد جهت "یارگیری" در رابطه با درگیری های احتمالی مابین باند خودش و باند ولی فقیه، پیشاپیش دست به اعمالی زده بود. از جمله :

- وابسته نمودن تعدادی از سران سپاه پاسداران و بسیج به خود، با واگذاری قراردادهای کلان اجرایی به آنان.

- واگذاری قراردادهای چندین میلیارد دلاری آنهم بدون مناقصه و خارج از هرگونه ضوابط قانونی به سپاه پاسداران، و پُر کردن جیب سران آن با دلارهای نفتی. به منظور سودبری از نیروی سپاه و بسیج در جنگ قدرت با رهبر نظام.

- "اهداء" یک میلیون تومان به بخشی از زوج های جوان و متمایل کردن آنها بجانب داری از احمدی نژاد.

- وعده بازگشائی حساب پس انداز یک میلیون تومانی برای نوزادان متولد سال ۱۳۹۰ و واریز نمودن سالانه ۱۰۰ هزار تومان بحساب آنها، تا سن ۱۸ سالگی.

- واگذاری وام های چند صد میلیون تومانی با بهره پائین (حدود ۶% سالانه) به وابستگان باند احمدی نژاد.

- وام گیرندگان با افتتاح حساب های سپرده بلند مدت در بانک ها و دریافت بهره ۲۴ الی ۳۰ درصد بهره سالانه، صاحب درآمدهای میلیونی ماهانه شده اند، لذا شاکر و جانب دار احمدی نژاد.

- وابسته نمودن تعدادی قابل ملاحظه از استانداران کشور به احمدی نژاد ، با بذل و بخشش ها در سفرهای استانی رئیس جمهور.

لازم به یادآوری است که در ۱۱ روز تحصن احمدی نژاد در منزل اش ، در رابطه با عدم موافقت اش با ابقاء وزیر اطلاعات ، اسفندیار رحیم مشائی (رئیس دفتر رئیس جمهور و پدر داماد احمدی نژاد) توانسته بود با تهیه بیانیه ای در پشتیبانی از رئیس جمهور، امضای ۱۳ استاندار را پای آن بیانیه جمع آوری نماید.

در بازی جدید احمدی نژاد در رابطه با واگذاری سرپرستی ادارات اوقاف و منابع سرشار آنها به استانداران کشور، میتوان سپاسگزاری او از استانداران و جلب بیشتر آنها به صف حامیان رئیس جمهور را مشاهده کرد.

- بورژازی ممتاز (سرمایه داران وابسته به صاحبان زر و زور در نظام)، در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، همانند

همه دوران حاکمیت رژیم، علاوه بر آنکه در زمینه تولیدات داخلی و واردات از خارج در غارت و چپاول دستشان باز بوده

است، ضمناً توانسته اند با اخذ معادل ۴۷ میلیارد دلار وام از سیستم بانکی ایران و عدم باز پرداخت این وام ها، از جمله شکرگزاران باند احمدی نژاد باشند.

- اگر به این لیست، دریافت کنندگان پول های طرح "سرمایه گذاری زود باز ده" به مبلغی معادل ۱۸ میلیارد دلار و ... را نیز اضافه کنیم، آنگاه به عمق **یارگیری های پیشگیرانه اش** باند احمدی نژاد، برای روز مبادا! آشناتر خواهیم شد.
- شاید بدلیل همین عملکردها است که "روزنامه جمهوری اسلامی" مدعی شده است که باند احمدی نژاد "در بالا و پائین نظام با چراغ خاموش رخنه" کرده است.
- لازم است که در اینجا به موضوع مهم دیگری نیز اشاره شود؛ تا اینجای پروسه جنگ قدرت مابین سه پایه رژیم، بر پایه شواهد و قرائن موجود، سپاه پاسداران برنده برتر و دستگاه رهبری و بویژه شخص ولی فقیه بازنده ملموس بوده اند.

توجه کنید: بر چنین بستری است که احمدی نژاد در رابطه با چگونگی مسئله تفکیک جنسی در دانشگاهها و اخراج اساتید دانشگاهها، نعل وارونه میزند:

قصد احمدی نژاد از این درگیری ها، اینست که، به دانشجویان و جوانان وانمود بکند که او طرفدار "اسلام ایرانی"، **مخالف تفکیک جنسی و مدرن است**، اما، "آخوند جماعت" (روحانیت بویژه طرفداران خامنه ای و دستگاه ولایت) **موافق تفکیک جنسی و عقب افتاده** اند. مخالفت احمدی نژاد با چگونگی طرح تفکیک جنسی و.. بلافاصله علناً از طرف وزیر مربوطه مورد پذیرش قرار گرفت.

البته این تاکتیک احمدی نژاد بلافاصله از جانب طرفداران نوب در ولایت مورد مخالفت قرار گرفت. علل این مخالفت به پیروی از منویات شخص سید علی خامنه ای تعقیب این اهداف است:

- ولی فقیه مایل است با تکیه بر افکار و تمایلات عقب مانده ترین اقشار سنتی مذهبی نشان دهد که حرف آخر او میزند.
- به روحانیون سنتی بفهماند که حمایت آشکار و نهان بخشی از آنها از احمدی نژاد و احتمالاً تقویت موقعیت او در میان بخشی از مخالفان دستگاه ولایت، عاقبت پایه های روحانیت سنتی را نیز مورد ضربه قرار خواهد داد و لذا بنفع روحانیون سنتی و صاحب نام است که در اطراف ولی فقیه گرد آیند و به پروسه انفراد احمدی نژاد یاری رسانند.
- اکثریت روحانیون سنتی صاحب نام در حین هراس از قدرت یابی احمدی نژاد، اما، از برتری سیدعلی خامنه ای هم خاطره خوشی ندارند.

آنان به عینه دیده اند که این هوا و هوس ولی فقیه است که فقه حکومتی را شکل و شمایل میدهد. اینان تجربه کرده اند که برخلاف قواعد پذیرفته شده مذهب شیعه، در زمان اقتدار ولی فقیه، حتی از بیان نظرشان در مورد ساعت ظهور ماه در پایان ماه رمضان نیز (در صورتی که مخالف نظر ولی فقیه باشد) میتوانند متضرر شوند!!

لذا بنظر نمیرسد که آیت الله های دانه درشت و صاحب نام (که تعداد قابل ملاحظه ای مقلد نیز دارند) در درگیری های مابین باند احمدی نژاد و دستگاه رهبری [بویژه با توجه به پیشروی های سپاه]، بنفع این یا آن دارو دسته به میدان بیایند.

اکثر قریب اتفاق آیت الله های صاحب نام قم در سال گذشته که رهبر نظام با سفر به قم از آنان بیعت طلبید، با عدم استقبال از خامنه ای و عدم تمایل به دیدار و تبادل نظر با او، نشان دادند که نمیخواهند به عمله و اکراه دستگاه ولایت تبدیل شوند. تعداد قابل ملاحظه ای از این آیات عظام، نفع خود را در حفظ فاصله با سیدعلی خامنه ای جستجو میکنند.

درگیری های دستگاه ولایت و باند احمدی نژاد، همچنان به تضعیف دستگاه ولایت و شخص خامنه ای یاری رسانیده است. (در میان افکار عمومی در ایران بطور ویژه و در میان حامیان رژیم در داخل کشور بطور اخص). امری که مردم ستم دیده و لگدمال شده ایران، با گشاده روئی با آن روبرو شده و خواهند شد.

توجه به مانور های احمدی نژاد در این مورد نیز حائز اهمیت است. محمود احمدی نژاد با توجه به نفرت شدید مردم از دستگاه ولایت و شخص خامنه ای (گذشته از اینکه از نفرت مردم به دولت متقلب انتظاریون هم مطلع است.)، با بازی های ماهرانه ای فاصله خود از دستگاه ولایت و زیاده روی های شخص خامنه ای، اینجا و آنجا، به وضوح و به شیوه خود به مردم اعلام مینماید.

بخاطر داریم که محمد خاتمی اعلام نموده بود که در مدت ریاست جمهوری اش، دولت او، تدارکاتی ولی فقیه بوده است. احمدی نژاد در ۲۰ تیرماه امسال در سایت ریاست جمهوری خطاب به مردم میگوید:

" دولت نوکر مردم است و درمقابل زیاده خواهی ها ایستادگی خواهد کرد."

" اعضای دولت... فقط دنبال نوکری مردم هستند."

امروز نه تنها بشریت مترقی، که حتی اکثر قریب به یقین اقبال عقب مانده نیز میدانند که سیاست ها و عملکردهای ضد مردمی جناح احمدی نژاد نیز در تخریب زندگی مردم در همه زمینه ها نقش جدی داشته است. دولت او دست دولت های قبلی در تخریب وضعیت اقتصادی ایران، تحمیل خفان بر مردم و مخالفان رژیم را از پشت بسته است.

احمدی نژاد و باندش، در تبلیغ و ترویج افکار سیاه، عقب افتاده و ارتجاعی مذهبی در جامعه کم نظیر هستند و به همراه دستگاه ولایت و سپاه پاسداران در غارت ثروت ها و نیروی کار مردم ایران، گوی سبقت را از همه دولت های پیشین ربوده اند.

تاکتیک های احمدی نژاد، پاتک هائی به رقبای خودش در قدرت، جهت تحکیم موقعیت باند خودش است. ربطی با آزادی، رفع تبعیض و یا مدرنیته ندارد. ربطی به منافع اکثریت عظیم در جامعه؛ کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان و ملت های ساکن ایران ندارد!

طبیعی است که الان، جنگ مابین جناح های رنگارنگ رژیم، مغلوبه است. بنابراین، طرح تفکیک جنسی در دانشگاهها و تصویب استادان دگراندیش هم وسیله ای شده است، که احمدی نژاد با حرافی بر سر چگونگی اجرای آن، خودش را مدّرن و رقبایش را، امل و عقب افتاده معرفی بکند و بدینوسیله تلاش نماید در کشمکش مابین باند خودش و دستگاه رهبری و شخص رهبر، یک "امتیاز" بنفع خودش بدست آورد.

در اینجا خالی از فایده نخواهد بود اگر به موضوع تصویب اساتید دگر اندیش در دانشگاهها و اعلام "مخالفت" احمدی نژاد با چگونگی اجرای این امر نیز اشاره بشود.

• اشاره احمدی نژاد به موضوع چگونگی اخراج و بازنشستگی اساتید دانشگاهها !

در نیمه تیرماه امسال محمود احمدی نژاد در نامه ای به وزیران علوم و بهداشت، روند بازنشستگی استادان را بر اساس شنیده ها، " بی رویه " خوانده و خواستار توقف این روند تا تصمیم گیری شورای عالی انقلاب فرهنگی شده بود.

تنها دو هفته پس از آن که محمود احمدی نژاد با انتقاد از " بازنشستگی بی رویه اساتید "، خواستار توقف این روند تا زمان تصویب آیین نامه ای ویژه در شورای عالی انقلاب فرهنگی شده بود، این شورا، اختیار تصفیه استادان دانشگاهها را به گروهی متشکل از وزیران علوم و بهداشت و هیئت امنای مرکزی این وزارتخانه ها واگذار نمود.

سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی اعلام کرد که " با این روال دیگر شاهد رفتار سلیقه ای در خصوص بازنشستگی اساتید دانشگاهها خواهیم بود." این اعلام موضع بوضوح آشکار مینماید که اساتید دانشگاهها تا کنون بنا بر سلیقه شورای عالی انقلاب فرهنگی و وابستگان به دستگاه، تصفیه میشده اند. امری که در یک دولت دینی، امری بدیهی و بنا بر درک و تفسیر رهبر آن نظام از قواعد و قوانین مذهبی انجام میگیرد. آنچه بهیچوجه مورد توجه نبوده؛ قواعد و قوانینی است که در خدمت پیشرفت علوم و دانشجویان میباشد.

علاوه بر این، باید یادآور شد که بزرگترین موج بازنشستگی و اخراج استادان، در دولت های محمود احمدی نژاد رخ داده است. هرگز نباید فراموش کرد که ۲ وزیر علوم کابینه های دولت احمدی نژاد (محمد مهدی زمانی وزیر علم در دولت نهم و کامران دانشجو وزیر علوم در دولت دهم محمود احمدی نژاد) بشفافیت در گذشته خواستار تصفیه و اخراج استادان " غیر هم سو " [بخوان دگر اندیش] بوده اند.

حاصل سیاست های ارتجاعی دولت احمدی نژاد و وزرای علوم او در ۶ سال گذشته، اخراج و یا بازنشستگی دهها استاد دانشگاه بوده است.

بسیاری از این اساتید، هم مورد احترام و تائید همکارانشان بودند و هم از نظر علمی جایگاه شایسته ای داشته اند. اما با توجه باینکه در چارچوب دولت تئوکراتیک نظام اسلامی قرار نمیگرفتند، اخراج و یا بازنشسته شده اند.

در اخراج و بازنشسته کردن اساتید دگر اندیش دانشگاههای ایران نه فقط خود احمدی نژاد و وزرای علوم کابینه اش نقش داشته اند، بلکه رهبر نظام سید علی خامنه ای نیز نقش داشته است. پس از آنکه در اواخر ۱۳۸۸ خامنه ای علوم انسانی را علوم حیوانی خطاب کرد، کامران دانشجو، وزیر علوم اعلام نمود که همه استادا و دانشگاهیانی که با نظام اسلامی غیر "هم سو" [بخوان دگر اندیش] هستند اخراج میشوند.

طنز موضوع این است که حالا که قرار است اساتید دانشگاهها "بی رویه" اخراج و بازنشسته نشوند، همین کامران دانشجو (وزیر علوم) از کسانی خواهد بود که اختیار اخراج و تصفیه اساتید را بدستشان سپرده اند. به معنای دیگر "خر، همان خر است، اما، پالان اش عوض شده است."

به بیان دیگر، قبل از اظهار نظر احمدی نژاد (در مورد " مدرن" نبودن اخراج و بازنشستگی استادان دانشگاههای ایران)، اساتید " غیر هم سو" بی رویه از کار برکنار میشدند، اما، پس از "مدرن" شدن نظام به شیوه احمدی نژاد، اکنون بنابر مصوبه "شورای عالی انقلاب فرهنگی"، اساتید دگر اندیش، یا رویه، تصفیه خواهند شد.

تا زمانی که "نظام جمهوری اسلامی" بر کشور ما حاکمیت دارد، مردم شاهد نمایشات و بازی های تهوع آور جناح های رنگارنگ رژیم، برای فریب دادن افکار عمومی و حفظ و گسترش منافع سرمایه و صاحبان زر و زور خواهند بود.

در پایان هر پرده ای از نمایش های گوناگون و یا تشدید شکاف های واقعی در بالای رژیم، از یک طرف شاهد انباشته شدن ثروت های بیشتر در دستان این و یا آن جناح از سرکوبگران میباشیم و از طرف دیگر شاهد سرکوب آزادی ها، تداوم بی حقی مردم، افزایش فقر و گرسنگی زنان، کارگران، جوانان، دانشجویان، ملل ساکن ایران و... نیز هستیم.

مردم آزادی خواه و مخالف تبعیض برای رهائی از این وضعیت خفت بار چاره ای ندارند جز آنکه با سازماندهی خویش در محلات کار و زندگی شان، با تعمیق آگاهی های دموکراتیک، با نافرمانی های مدنی برای ناممکن کردن فرمانروائی فرمانروا، با برپائی اعتصابات و تظاهرات، با تلفیق مبارزه علنی و مخفی و پیوند این مبارزات و سراسری کردن آنها و با بمیدان آوردن عدد بزرگ، شرایطی را فراهم آورند که پایان آن سرنگونی رژیم و دستیابی مردم به حق تعیین سرنوشتشان با تکیه بر نیروی شکست ناپذیر اکثریت عظیم، برای تأمین منافع اکثریت عظیم است.

در این مسیر اتحاد و یا اتحاد عمل اپوزیسیون در میان هر طیف در حین دفاع از مبارزات بحق مردم، و سرانجام هماهنگی طیف های متفاوت اپوزیسیون در لحظه سرنوشت ساز، میتواند در خدمت گسترش مبارزات مردم بر علیه رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران و در نهایت سرنگونی آن قرار گیرد.

اینکه پس از سرنگونی رژیم چه نظامی بر سرکار خواهد آمد، ارتباط مستقیم به چگونگی سمت گیری ها و عمل مردم سازمان داده شده در مسیر سرنگونی رژیم خواهد داشت. به بیان دیگر برآیند نیروهای موجود پس از سرنگونی رژیم، سرنوشت مسیری که نظام آینده کشور ما را تعیین خواهد نمود، رقم خواهد زد

امید که اقبال عمومی در ایران به حمایت از نیروهائی باشد که خواهان تامین منافع اکثریت عظیم لگدمال شدگان، توسط خود این اکثریت عظیم هستند. امید که آن روز دور مباد!

احمد نوین

۲۳ ژوئیه ۲۰۱۱ - اول مرداد ماه ۱۳۹۰

